

روش «اجتهاد جامع» در تولید دانش تربیت اسلامی (چرایی، چیستی و فرایند)

احمد عربیان*

چکیده

یکی از مهم‌ترین رشته‌های علوم انسانی که نقش زیربنایی در رشد همه‌جانبه جوامع دارد، دانش تربیت است. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، برای تربیت بشر اهمیت ویژه‌ای قائل است و نظریه‌ها و الگوهای خاص خود را در این زمینه دارد. استخراج این نظریه‌ها از منابع دینی، مستلزم بهره‌گیری از روشی معتبر و جامع است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به بیان روش‌های متعارف تولید دانش تربیت اسلامی و روش اجتهاد جامع، همچنین تحلیل قوت‌ها و ضعف‌های روش‌های متعارف و نقد آن و تحلیل ادله، مزیت‌ها و فرایند و خروجی روش اجتهاد جامع پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که روش‌های متعارف مانند: رویکرد تهذیبی و انضمامی (حذف عناصر متعارض با دین از علوم غربی، بدون تغییر در شاکله اصلی آن)، رویکرد فقه تجویزی (تمرکز صرف بر بایدها و نبایدها)، رویکرد عقلی و فلسفی (تولید دانش صرفاً بر اساس عقل بدون استناد به نصوص دینی)، هر یک به دلایلی فاقد جامعیت لازم هستند. در مقابل، «اجتهاد جامع» با تلفیق دو رویکرد توصیفی (تبیین چیستی و چرایی پدیده‌های تربیتی) و تجویزی (استنباط احکام الزامی) و بهره‌گیری از تمام منابع معتبر دینی (قرآن، سنت و عقل)، توانایی استنباط نظام‌مند دانش تربیت اسلامی را داراست. به عنوان نمونه: در موضوع «تربیت عقلانی»، رویکرد اجتهاد جامع، نه تنها به استنباط احکام مرتبط (مانند وجوب تفکر) می‌پردازد، بلکه مبانی، اهداف،

* مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم: arabiyan.ahmad@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹.





اصول، روش‌ها، عوامل و موانع تربیت عقلانی را نیز از دل نصوص استخراج می‌کند. فرایند اجرای این روش در دو مرحله کلیدی موضوع‌شناسی (بررسی لغوی و اصطلاحی) و حکم‌شناسی (فهم عقلایی، رجوع به منابع اجتهادی، ادله فقهاتی و عرضه به تجربه) صورت می‌پذیرد. نتیجه نهایی آن، تولید دانش معتبر اسلامی و کارآمد در حیطه تربیت اسلامی است که قابلیت نظریه‌پردازی و نظام‌سازی دارد.

کلیدواژه‌ها: تولید علوم انسانی اسلامی، تربیت اسلامی، دانش تربیت اسلامی، روش «اجتهاد جامع».

مقدمه

تمام موجودات، از جمله انسان برای اهدافی آفریده شده‌اند و هیچ موجودی بدون تربیت نمی‌تواند به غرض آفرینش خود دست یابد. آن‌چه باید به آن توجه داشت، این است که تربیت در هر موجودی متناسب با شاکله و مرتبه وجودی او شکل می‌گیرد. از این‌رو تربیت در انسان به عنوان اشرف مخلوقات، بسیار پیچیده و دارای مراتب، ابعاد و عرصه‌های گوناگون است. یکی از ویژگی‌های بارز زمانه ما، تحول بسیار سریع در تمام امور و ابعاد زندگی است که موجب تولید مسائل گسترده و فراوان تربیتی شده است. اگر این مسائل، همراه با پاسخ‌گویی علمی و عملی مناسب نباشد، به سرعت بر پیچیدگی‌ها، ابهام‌ها و تهدیدها افزوده می‌شود. تربیت، از موضوعاتی است که پیرامون آن، چالش‌ها و اختلافات بسیاری شکل گرفته و مکاتب مختلفی با مبانی، اهداف و روش‌های متفاوت و در برخی موارد متضاد پدید آمده است. این مکاتب ادعای توانایی و کارآمدی در حل مسائل تربیتی بشر و رساندن او به سعادت واقعی را دارند؛ اما این ادعا در بیشتر موارد چنان‌که در عرصه عمل نمایان شده، درست نیست. قرآن و روایات آکنده از معارف تربیتی است که در دو قالب: «بیان حقایق و معارف» و «معرفی اسوه و الگوی شایسته» ارائه شده‌اند. مجموع این معارف را می‌توان در مؤلفه‌های مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها، عوامل، موانع، ساحت‌ها، آثار، مراحل و برنامه‌ها، مطرح نمود. بنابراین باید، دانش تربیت، از منابع اصیل دین اسلام، یعنی قرآن، روایات و عقل، با روش فقهاتی و اجتهادی معتبر استخراج شود. در این مقاله چرایی، چیستی و فرایند استنباط دانش تربیت اسلامی با روش «اجتهاد جامع» تبیین می‌شود.



روش جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله، اسنادی و به صورت کتابخانه‌ای است و با روش توصیفی تحلیلی از نوع تحقیقات کیفی صورت پذیرفته است. بنابراین ابتدا چرایی، سپس چیستی و در پایان، فرایند روش «اجتهاد جامع» در تولید دانش تربیت تبیین خواهد شد.

پیشینه و نوآوری

در زمینه علوم تربیتی اسلامی، آثار بسیاری نوشته شده که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. کتاب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نوشته گروهی از نویسندگان، زیر نظر آیت الله محمدتقی مصباح یزدی.

۲. کتاب فقه تربیتی، اثر آیت الله اعرافی که در چندین مجلد چاپ شده و نشر آن ادامه دارد.

۳. کتاب درآمدی بر نظام‌نامه تربیتی المصطفی ﷺ، نوشته گروهی از نویسندگان، زیر نظر آیت الله اعرافی.

۴. کتاب نظریه اسلامی تعلیم و تربیت (مبانی آموزش رسمی)، نوشته جمیل علم الهدی.

۵. کتاب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، نوشته محمد داوری و حسین کارآمد.

به طور خاص، برخی آثار ناظر به روش تولید دانش تربیت عبارتند از:

۶. کتاب روش‌شناسی تحقیق در تعلیم و تربیت رویکردی اسلامی، نوشته علی رضا صادق‌زاده قمصری.

۷. مقاله دانش تربیت؛ وضعیت مطلوب علوم تربیتی، نوشته آیت الله اعرافی.

۸. مقاله بررسی روش‌شناسی دانش تربیت اسلامی بر اساس رویکرد اسلامی سازی معرفت و مقاله روش‌شناسی دانش تربیت اسلامی بر اساس رویکرد استنباطی تأسیسی، نوشته خسرو باقری، علی لطیفی، حمید پارسانیا و محمد داوودی.

۹. مقاله رویکرد اسلامی به روش‌شناسی پژوهش تربیتی؛ تبیین امکان و ضرورت، نوشته علی رضا صادق‌زاده قمصری.

۱۰. مقاله پژوهش تربیتی؛ چیستی و روش‌شناسی، نوشته خسرو باقری.

نوآوری این مقاله، ارائه روش اجتهادی با رویکرد فقهی جامع (توصیف و تجویز) در تولید دانش تربیت است که ظرفیت نظریه‌پردازی و ارائه الگو در تمامی معارف تربیت را با رجوع به منابع دین دارد.



مفهوم‌شناسی

تربیت در لغت

واژه «تربیت» مصدر باب تفعیل از ماده «ر ب و» است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۷/۱) که به دلیل معتدل و ناقص بودن ریشه لغوی آن، مصدرش همانند «تزکیه» بر وزن «تفعله» آمده است. ماده «ر ب و» به معنای رشد و نمو، (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲/۴۸۳) زیاد و افزون شدن (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۲۸۳/۸، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۰) و علو و ارتفاع (جوهری، ۱۳۷۶ش: ۶/۲۳۵۰) است.

برخی ریشه اصلی این واژه را «ر ب ب» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/۴۰۷؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۲/۶۴) مضاعف دانسته‌اند که در وزن تفعله، باء برای تخفیف، قلب به یاء شده است و به معنای اصلاح و شایسته نمودن، (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲/۳۸۱) مالک بودن (ازهری، ۱۴۲۱ق: ۱۵/۱۲۸؛ جوهری، ۱۳۷۶ق: ۱۳۰/۱)، تربیت کردن و آقا (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲۱۴) است. راغب در مفردات می‌گوید:

تربیت به معنای انشاء و ایجاد تدریجی شیء تا رسیدن به حد تمام آن است، و مربی کسی است که مصلحت موجود متربی را بر عهده دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۳۶)

باتوجه به معانی گفته شده، تغییر و تحول در تربیت می‌تواند کمی یا کیفی باشد. مفهوم دیگری که در تربیت وجود دارد و برخی به آن تصریح کرده‌اند، تدریجی بودن رشد و تربیت در عالم طبیعت است.

در مجموع از بحث لغوی به دست می‌آید که «تربیت» در لغت به معنای رشد دادن تدریجی متربی است.

تربیت در اصطلاح

شهید مطهری تربیت را چنین تعریف کرده است:

تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن. (مطهری، بی‌تا: ۲۲/۷۱۵)

آیت‌الله مصباح یزدی نیز در تعریف تربیت نوشته است:

تربیت عبارت است از فراهم ساختن زمینه‌های رشد و شکوفایی تربیت‌پذیر و رساندن او به مرحله‌ای که استعدادها و قابلیت‌هایش را بروز دهد. (مصباح

یزدی، ۱۳۹۵ش: ۳۷)



آیت‌الله اعرافی معتقد است که تربیت عبارت است از:

فرایند یاری‌رسانی به مرتبی برای ایجاد تغییر تدریجی در گسترهٔ زمان، در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطهٔ عامل انسانی دیگر به منظور دست‌یابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او با بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد. (اعرافی، ۱۳۹۵: ش: ۱۴۱)

علامه طباطبائی، در تفسیر المیزان مؤلفه‌هایی در تربیت بیان کرده که می‌توان از آنها برای تعریف تربیت، بهره برد. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

تربیت، امری دارای منشأ و محور الهی است که مربی در فرایندی تدریجی، با فراهم آوردن شرایط و توجه به ظرفیت‌ها و استعدادها بالقیه علمی و عملی مرتبی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی که در وجود وی نهاده شده، بر اساس اراده و اختیار وی، با شکوفا سازی عقل و فطرت، در مراتب، مراحل و ساحت‌های گوناگون فردی و اجتماعی، با اصول و روش‌های مبتنی بر مبانی توحیدی، بالفعل نموده و با تزکیه و خالص سازی مرتبی، او را به کمال و سعادت حقیقی خود یعنی توحید افعالی، صفاتی، اسمائی و ذاتی برساند. (رک: طباطبائی، ۱۳۹۰: ش: ۱۲/۷ و ۳۶۰/۱ و ۲۱۱/۱۵ و ۳۱۰/۱۰ و ۲۴۰/۹ و ۲۵۸/۶ و ۲۴۸/۴ و ۳۴۳/۵ و ۳/۳ و ۵۹/۳ و ۸۵/۱ و ۱۱۰/۱ و ۱۹۱/۱۳ و ۱۰۱/۴ و ۵۹/۳ و ۳۰۰/۱-۳۰۲ و ۸۱/۱۳ و ۱۷۲/۴ و ۳۵۶/۶ و ۳۵۷/۴ و ۱۸۸/۴ و ۲۱۱/۱۵ و ۳۲۳ و ۳۶۰/۱ و ۱۲۳/۴)

جمع‌بندی

از مجموع مطالب ارائه شده در تعریف «تربیت» می‌توان ویژگی‌های اساسی تربیت از نگاه دینی را به دست آورد:

۱. توجه به مراتب وجودی انسان (مادی، معنوی، دنیوی و اخروی)؛
۲. توجه به ظرفیت‌ها و استعدادها انسان در مراتب مختلف؛
۳. توجه به ابعاد وجودی انسان (نگرش، گرایش و کنش) از این دیدگاه، تربیت دربرگیرندهٔ تعلیم نیز هست؛
۴. توجه به ساحت‌ها و عرصه‌های وجودی انسان (فردی، خانوادگی، اجتماعی، اخلاقی، معنوی، معرفتی، سیاسی، قانونی، فرهنگی، تمدنی و...)





۵. تربیت از نگاه اسلام دارای محور توحیدی است و مأموریت‌ها، محتواها و برنامه‌های تربیتی در ابعاد و ساحت‌های گوناگون بر اساس محور توحید شکل گرفته، سامان می‌یابد؛ بنابراین در تربیت، تمرکز بر تعالی توحیدی از منظر علمی و عملی است.

تعریف پیشنهادی تربیت

با تحلیل الگوهای تربیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی، بیانات و سیره عملی اساتید اخلاق، می‌توان، در تعریف تربیت گفت: «فرایند فعلیت استعدادها با محوریت و غایت توحیدی در همه ابعاد، مراتب و ساحت‌های وجودی، از طریق شکوفاسازی عقل و فطرت که در بستر تعاملی بین مربی و مرتربی تحقق می‌یابد».

اجتهاد

«اجتهاد» کلمه‌ای عربی از ماده «ج ه د» است که در باب افتعال به معنای: «به کار بستن تمام تلاش برای انجام دادن کاری است». (فیومی، بی تا: ۱۱۲/۱)

اجتهاد در اصطلاح، تطور معنایی یافته است. ابتدا به معنای قیاس، رأی، استحسان، مصالح مرسله و... بوده و این همان معنایی است که در قرون اولیه اسلامی در کلام علما از لفظ «اجتهاد» اراده می‌شده و همین معنا، دلیل مخالفت علمای شیعه با واژه «اجتهاد» در چند قرن اول بوده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۱ق: ۱۳ و ۱۴) اجتهاد در سیر تطور خود، اولین بار در معنای مقبول، توسط محقق حلی به کار رفته است. (همان: ۱۶) و دیگر فقها نیز گفته‌اند: «اجتهاد عبارت است از استنباط حکم شرعی با به‌کارگیری همه تلاش و تفکر در ادله شرعی، مانند کتاب و سنت». (حلی، ۱۴۲۵ق: ۱۹/۵؛ حلی، ۱۴۰۴ق: ۱/۲۴۰؛ خویی، ۱۴۲۲ق: ۲/۲۴۷) البته اجتهاد در اصطلاح عام در آغاز به معنای «تلاش برای رسیدن به حکم شرعی از ادله غیرلفظی» بوده و سپس به مرور زمان، معنای آن توسعه یافته و شامل «تلاش برای رسیدن به حکم شرعی از ادله لفظی» نیز شده است و در آخر، معنای اجتهاد علاوه بر معنای گفته شده، شامل «تعیین وظیفه برای نجات دادن مکلف از سرگردانی در مقام عمل» هم گردیده است. (تهرانی: ۱۴۰۱، ۱۶)

تعریف پیشنهادی اجتهاد

از آن جا که اجتهاد مواجهه عقلایی و فطری با سؤالات و چالش‌های گوناگون زندگی برای ارائه پاسخ‌های معتبر است، می‌توان اجتهاد را چنین تعریف کرد: «اجتهاد سامانه و سازوکار



عقلایی، برای دست‌یابی به پاسخ‌های معتبر، برای مسائل گوناگون زندگی، با استفاده از منابع و مبانی دین است.»

لازم به ذکر است گستره مسائل گوناگون زندگی که اجتهاد جامع در صدد پاسخ دادن به آنهاست، با توجه به مبانی مختلف از نظر حداقلی یا حداکثری بودن قلمرو و نقش دین، می‌تواند متفاوت باشد؛ هرچند از نظر نگارنده، این گستره، حداکثری است.

اجتهاد جامع

از آن رو که اجتهاد و تفقه به یک معناست، بعضی از محققان از عبارت «تفقه جامع» استفاده کرده، گفته‌اند:

تفقه جامع عبارت است از: تحقیقی همه‌جانبه و فراگیر در تمام دین الهی و معارف ربانی، مشتمل بر کلیه آموزه‌های اسلام در ابعاد اندیشگی، شناختی، بینشی و پوشش‌دهنده باورهای بنیادین، ارزش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها، به غایت تحقق در جان و کالبد فرد و جامعه، و اجرا و عملیاتی شدن در تمامی اجزا، جوانب و سطوح حیات. (ملک‌زاده، ۱۳۹۹ش: ۴۷)

چنان‌که گفته شده:

اگر تفقه فقیه فراتر رود و وارد فضای تفقه در حوزه ارزش‌ها و بینش‌ها نیز بشود، تفقه او تبدیل به تفقه جامع خواهد شد. (میرباقری، ۱۳۹۴: ijtilhadnet.ir)

باید توجه داشت که در این دو تعریف، با صراحت به رویکردهای فقهی پرداخته نشده است؛ از این رو نیاز به تعریفی وجود دارد که در آن به رویکردهای فقهی اشاره شده باشد.

تعریف پیشنهادی «اجتهاد جامع»

هرچند اجتهاد رایج در حوزه‌ها غالباً با رویکرد تجویزی است، اما برای تولید دانش تربیت، نیاز به اجتهاد جامع است؛ به‌ویژه جامعیت از منظر رویکرد که مشتمل بر دو رویکرد تجویزی و توصیفی می‌باشد. از این رو تعریف پیشنهادی «اجتهاد جامع» عبارت است از: «روشی اجتهادی که در برگیرنده دو رویکرد تجویزی و توصیفی است و در صدد ارائه دیدگاه‌های دین در همه عرصه‌های زندگی است.»

رویکرد تجویزی در اجتهاد به معنای «رویکردی که به دنبال استنباط مجموعه احکام





تکلیفی (باید و نبایدها) با استفاده از روش اجتهادی است». (ر.ک: اعرافی، درس فقه روابط اجتماعی: ۹۷/۰۷/۱۷)^۱ و رویکرد توصیفی در اجتهاد به معنای «رویکردی که در صدد تبیین چرایی و چیستی پدیده‌ها و توصیف روابط عینی بین آنهاست که نتیجه آن، مشخص شدن مبانی، اهداف و دیگر مؤلفه‌های توصیفی است»؛ چنان‌که درباره رویکرد توصیفی گفته شده: «بحث آن، هستی‌ها و توصیفات است». (همو)

توضیح این‌که: پدیده‌های انسانی کنش‌هایی است که نگرش‌ها و گرایش‌های متناسب با خود را دارد. تمام نگرش‌ها و گرایش‌ها و کنش‌های مؤثر در سعادت و شقاوت انسان، در آیات و روایات بیان شده و نیاز به استنباط دارد که این مهم، از منابع دینی با روش «اجتهاد جامع» قابل دستیابی است.

دانش تربیت اسلامی

دانش تربیت را برخی علمی واحد و دانشی مستقل دانسته‌اند که «همه مباحث مربوط به تعلیم و تربیت و امور وابسته به آن را در خود جای دهد» (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۰: ۵۷-۷۶).

برخی دیگر دانش تعلیم و تربیت اسلامی را چنین تعریف کرده‌اند: «عنوانی است که به نیازهای علمی جوامع اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت، پس از مواجهه تمدن غرب اشاره دارد». (نوذری، ۱۳۹۳: ۱۹) هم چنین «یک رشته علمی یا عرصه‌ای مطالعاتی که به بررسی مسائل تعلیم و تربیت از منظر اسلامی می‌پردازد.» (لطیفی، پارسانیا، داودی، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۷۵)

رشته تعلیم و تربیت دینی نیز چنین تعریف شده است: «تعلیم و تربیت متخذ از منابع دینی... که محققان با استفاده از روش‌های معتبر از متون دینی درباره تعلیم و تربیت استنباط می‌کنند». (<http://tarbiyati.iki.ac.ir/node/147>)

تعریف پیشنهادی دانش تربیت اسلامی

نظر به این‌که دانش تربیت اسلامی ارائه‌دهنده دیدگاه‌ها و راهکارهای اسلام در عرصه تربیت است، می‌توان آن را چنین تعریف کرد: دانشی از علوم انسانی اسلامی^۲ که در آن همه مؤلفه‌های

۱. دسترسی در: http://eshia.ir/feqh/archive/text/arafi/feqh_ejtemaei/97/970717/

۲. علوم انسانی، مجموعه دانش‌های مرتبط با ابعاد نگرشی، گرایشی و کنشی انسان در ساحت‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی و تمدنی است که در صدد تأمین مصالح زندگی انسان و تنظیم روابط او با جهان هستی است. علوم انسانی اسلامی، علوم مرتبط با ابعاد وجودی انسان است که بر اساس مبانی اسلام و با استفاده از روش اجتهادی جامع،



تربیتی بر اساس تمام منابع دین، با روش «اجتهاد جامع» استنباط می‌شود.

یافته‌های تحقیق

۱. چرایی روش «اجتهاد جامع» در تولید دانش تربیت اسلامی

روش تولید دانش، در همه علوم از جمله تربیت، تعیین‌کننده و در محتوا و نتیجه بسیار اثرگذار است. از این رو مهم است که برای تولید دانش تربیت از چه روشی استفاده می‌شود. طبیعتاً ضمن بررسی ظرفیت و جامعیت اسلام برای تولید این دانش، به بررسی کاستی‌های روش‌های تولید دانش تربیت اسلامی نیز پرداخته می‌شود.

الف) نقصان رویکرد غربی

بسیاری از مکاتب غربی^۱ نگاه و رویکرد سطحی و ظاهری به انسان دارند و تمرکز آنان بیشتر بر بُعد مادی و جسمانی است.^۲ البته در جوامع غربی در همان بُعد مادی مورد نظر خود، با طراحی رشته‌ها و گرایش‌های لازم در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی متعدد، فعالیت‌های گسترده‌ای داشته‌اند و با تربیت نیروهای انسانی هم‌فکر و همراه و ارائه الگوها و نظام‌های تربیتی و طراحی نسخه‌های گوناگون برای کل دنیا، به دنبال نشر و گسترش و حاکم نمودن آن الگوها و نسخه‌ها بر همه عالم، به ویژه مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده و موفقیت بالایی هم داشته‌اند.

علوم تربیتی غرب مولود طبیعی سیر تفکر فرهنگی، اجتماعی و تاریخی مبتنی بر انسان‌باوری^۳

از همه منابع معتبر دینی در راستای تعالی و سعادت انسان استخراج می‌شود.

۱. با توجه به تفوق دیدگاه‌ها و مبانی غربی بر جوامع علمی، مکاتب غربی مطرح شده است.

۲. شهید مطهری در کتاب «انسان کامل» به نقد مکتب‌های مختلف فکری در مورد انسان می‌پردازد که یکی از آنها مکتب اگزیستانسیالیسم غربی‌هاست. وی در این باره می‌نویسد: «این‌ها مدعی‌اند که اعتقاد و ایمان به خدا از دو نظر با این

مکتب سازگار نیست: یکی از این نظر که اساساً اعتقاد به خدا مستلزم اعتقاد به قضا و قدر است و اعتقاد به قضا و قدر، هم مستلزم اعتقاد به جبر - به عقیده این‌ها - و هم مستلزم اعتقاد به یک طبیعت ثابت بشری است... اولاً تعلق انسان به خدا تعلق به یک شیء مغایر با ذات و یک شیء مباین نیست که انسان با تعلق به خدا خودش را فراموش کند؛ چون خدا را یاد کرده است... ثانیاً قرآن که می‌گوید انسان به خدا باید تعلق خاطر داشته باشد، به این دلیل است که خدا را کمال و نهایت سیر انسان می‌داند و مسیر انسان را به سوی خدا می‌داند». (مطهری، مجموعه آثار، ۲۳/۳۱۳) پذیرفتن

چنین دیدگاه‌هایی به معنای بی‌اعتنایی به بُعد ملکوتی و معنوی انسان و اکتفا به بُعد سطحی و طبیعی انسان است. Humanism. اومانیسم شالوده‌فرهنگ و فلسفه بعد از رنسانس در غرب است و براساس آن، انسان میزان همه ارزش‌ها و فضایل از جمله حق و حق‌گرایی است.





جامعه غربی با ویژگی‌ها و مختصات آن بوده و متناسب با مبانی اعتقادی مردمانشان ساختار یافته و مورد پذیرش جامعه غربی واقع شده است. فرهنگ غربی در طول تاریخ خود درصدد پاسخ‌گویی به خواسته‌های مردمان آن سرزمین بوده است، اما به دلیل کاستی‌ها و ضعف‌های اساسی رویکردی و کارکردی، به مرور ناکارآمدی آن حتی در حل مشکلات جوامع غربی آشکار گردیده است.

با توجه به اختلاف ساختاری علوم انسانی غربی با مبانی عقاید دینی و فلسفی و مختصات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جوامع دینی، به‌ویژه جامعه اسلامی ایران، نمی‌تواند مسائل جامعه دینی و نظام اسلامی، به‌ویژه مسائل تربیتی آن را حل کند و اصرار بر استفاده از علوم انسانی غربی در سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها، منجر به شکل‌گیری تناقضات^۱ رویکردی و کارکردی و گسست ساختارمندی نظام فکری و اجرایی جامعه دینی خواهد شد.

ب) تحلیل رویکردها در تولید دانش تربیت اسلامی

در مواجهه با مسئله تولید دانش تربیت اسلامی، ممکن است یکی از رویکردهای ذیل مورد توجه قرار گیرد که هر یک دارای نقص‌ها و اشکالات خاص خود است.

یکم: استفاده از علوم غربی، با رویکرد انضمامی و تهذیبی

رویکرد انضمامی و تهذیبی، رویکردی است که در استفاده از علوم انسانی غربی، مطالب ناسازگار با معارف و دستوره‌های دینی را حذف می‌کند؛ اما شاکله دانش غربی را حفظ می‌نماید. باید توجه داشت که گرچه این رویکرد فوایدی دارد، اما مقصود از علوم انسانی به‌ویژه از نگاه کارکردی و نتیجه‌نهایی مورد انتظار در جوامع دینی، از این راه به دست نمی‌آید؛ زیرا در این فرض، دانش تولیدشده با روش معتبر اجتهاد، از همه منابع معتبر دین استنباط نشده و نمی‌توان آن را به عنوان دانشی شناخت که مبانی، ساختار، مؤلفه‌ها، روش تولید، اهداف و مسائل آن مبتنی بر دین باشد؛ بلکه دانشی است که نهایتاً با دین منافاتی ندارد.

دوم: تولید دانش تربیت، با روش اجتهادی و رویکرد فقه تجویزی

در این روش، محتوا با اجتهاد از منابع دین به دست می‌آید؛ اما در صدد تبیین مباحث تربیتی از دیدگاه‌های ناپایدهاست. از امتیازات این روش، استفاده از اجتهاد در تولید محتواهای



۱. Paradox: متناقض‌نما یا ناسازنما.



دینی است. اگرچه رویکرد تجویزی بیانگر حکم شرعی مسائل دانش تربیت است و محتوای بخشی از آن را تأمین می‌کند، اما دانش گستره وسیعی دارد که در بردارنده گزاره‌های اخباری و انشائی است و با رویکرد تجویزی نمی‌توان همه مؤلفه‌های دانش تربیت اسلامی را تولید کرد؛ زیرا بخش مهمی از مباحث دانش، معارف توصیفی است که با رویکرد توصیفی باید تبیین شود؛ از این رو برای تولید آن نیز باید به همه گزاره‌های دینی با دو رویکرد تجویزی و توصیفی مراجعه و با روش معتبر اجتهادی آن را استنباط کرد.

سوم: تولید دانش تربیت با رویکرد عقلی و فلسفی

در این رویکرد، معارف تربیتی صرفاً با کمک مباحث عقلی و فلسفی تولید می‌شود. هرچند عقل یکی از منابع معتبر در تولید علوم انسانی اسلامی است، اما در این رویکرد، استنباط از منابع مهم دیگر مانند قرآن و روایات مغفول مانده است. با توجه به این که بعد توصیفی دانش تربیت در آیات و روایات به تفصیل بیان شده، چرا در تولید مباحث نظری علوم انسانی اسلامی به پژوهش‌های عقلی اکتفا شود و از معارف توصیفی در هزاران آیه و ده‌ها هزار روایت، استفاده نشود؟ استفاده از تأملات عقلی در کنار آیات و روایات باعث غنا و استحکام هرچه بیشتر مباحث می‌شود.

چهارم: تولید مباحث نظری و مبانی دانش تربیت اسلامی با رویکرد عقلی و فلسفی و تولید مباحث عملی با روش اجتهادی و رویکرد فقه تجویزی

تولید مباحث نظری دانش تربیت با رویکرد عقلی و فلسفی گرچه ممکن است، اما اگر کسی بخواهد مباحث عملی دانش تربیت دینی را با استفاده از این رویکرد تولید کند، پذیرفته نیست و حتی ترکیب این دو رویکرد نیز نتیجه‌ای نخواهد داشت. در نتیجه، متقن‌ترین روش و الگو استفاده از روش «اجتهاد جامع» است که در آن به همه منابع به صورت روشمند مراجعه می‌شود و با استفاده از مبانی معتبر، استنباط صورت می‌گیرد. هنوز در مجامع علمی، جای خالی دانش فقه تربیت با رویکرد «اجتهاد جامع» دیده می‌شود که باید بستر تحقق اهداف علمی و تربیتی (تربیت مجتهد، نظریه پرداز، مربی و پژوهشگر؛ تولید محتوا، نظریه پردازی، الگوسازی و نظام‌سازی؛ تربیت اқشار جامعه در سطوح مختلف) را فراهم کند.

ج) رویکرد پیشنهادی

برای رسیدن به وضعیت مطلوب و به دست آوردن الگوها و نظام تربیتی از نگاه اسلام، تولید





دانش با رویکرد «اجتهاد جامع» - که در برگزیده دو رویکرد تجویزی و توصیفی است - تنها گزینه موجود می‌باشد.

د) ظرفیت اسلام در تولید دانش تربیت

قرآن و روایات به عنوان دو منبع معرفتی دین اسلام، آکنده از معارف تربیتی هستند و سرمایه‌ای بی‌مانند برای نظریه‌پردازی و تولید الگو و نظام تربیتی اسلام شمرده می‌شوند. علاوه بر این سرمایه‌های افتخارآفرین، تجربیات الهام‌بخش علمای بزرگ اسلام در زمینه‌های اخلاق، عرفان و سیر و سلوک، از گذشته تا امروز ظرفیت‌های ارزشمندی را برای نظریه‌پردازی، نظام‌سازی و پرورش نیروهای انسانی شایسته ایجاد می‌کند. این ظرفیت‌ها به نشر معارف تربیتی اسلام و پاسخ‌گویی به مسائل فراوان در جامعه و جهان کمک می‌کند.

قرآن کریم مشتمل بر ۶۲۳۶ آیه است که تنها چندصد آیه از آیات نورانی آن در فقه تجویزی و استنباط احکام مورد استفاده قرار می‌گیرد. سؤال اساسی این است که بقیه آیات (حدود ۵۷۰۰ آیه) مربوط به چیست؟ آیا نباید از این آیات در اصلاح و ساماندهی تربیتی فرد و جامعه استفاده کرد؟ آیا می‌توان پذیرفت که روایات صادره از اهل بیت علیهم‌السلام که بدون تکرار حدود ۱۸۷ هزار و با تکرار بیش از ۴۰۰ هزار روایت (ری شهری، ۱۳۹۷ش: ۳/۳) است، به غیر از بخشی که در فقه تجویزی کاربرد دارد، بقیه آن بی‌استفاده باشد؟! حال آن‌که قرآن به عنوان کتاب زندگی و تربیت و هدایت انسان، و روایات به عنوان شرح و تفسیر این کتاب زندگی‌ساز، ارائه‌دهنده برترین مبانی، اصول، روش‌ها، سازوکارها و نظامات زندگی سعادت‌بخش در ابعاد گوناگون زندگی فردی، اجتماعی و تمدنی، به‌ویژه در زمینه تربیت انسان هستند.

هم‌چنین، فعالیت‌های ارزشمندی با رویکرد فقه توصیفی در معارف تربیتی، شامل تفسیر قرآن، شرح دعاها و روایات، اخلاق، عرفان و سیر و سلوک، توسط بزرگان دین، از جمله حضرت علامه طباطبائی و شاگردان برجسته ایشان، به‌ویژه مربی بزرگ عرفان و تربیت، حضرت آیت‌الله سعادت‌پرور انجام گرفته است. این فعالیت‌ها سرمایه‌ای مهم در هر اقدام علمی و عملی در معارف تربیتی و ایجاد رشته «فقه تربیت» با رویکرد «اجتهاد جامع» به شمار می‌رود. کتاب «سِرِّ الإسراء فی شرح حدیث المعراج» نمونه بارز این تلاش‌هاست.



۲. دیدگاه‌های بزرگان درباره روش «اجتهاد جامع»

«اجتهاد جامع» ظرفیتی ارزشمند در تفقه شیعی است که در صدد استنباط همه معارف دین از مجموع منابع معتبر است و اگرچه از جهت عملی، همواره مورد توجه علمای بزرگ بوده، ولی از جهت نظری و تدوین در قالب یک روش و الگوی اجتهادی، هنوز در آغاز راه است. با مراجعه به آثار بزرگان به‌ویژه علما و شخصیت‌های برجسته معاصر، دیدگاه‌ها و نظریات ارزشمندی در این زمینه به دست می‌آید که در ادامه، بعضی از آنها را بازگو می‌کنیم:

حضرت امام خمینی درباره گستره فقه این‌گونه بیان نموده‌اند:

فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است» (امام خمینی، ۱۳۸۹ ش: ۲۸۹/۲۱) این فقه همه احتیاجات صوری و معنوی و فلسفی و عرفانی همه بشر را در طول مدت اِلٰی یوم القیامه [تأمین کرده]، این محتوایش این‌طور است. (امام خمینی، ۱۳۸۹ ش: ۴۰۹/۲۰)

به‌طور طبیعی، فقه با این تعریف نمی‌تواند محدود به احکام فرعی شرعی باشد و حتماً ناظر به همه معارف دین است که از آن می‌توان به «فقه جامع» تعبیر کرد. ایشان هم چنین می‌فرمایند: روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس‌العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم‌اکنون باید برای این موضوع فکری کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۹ ش: ۲۹۲/۲۱)

گواه این مطلب، سیره علمی و عملی امام است که تجربه‌ای کارآمد و الهام‌بخش از رویکرد توصیفی در سیاست‌ورزی، نظام‌سازی و روش حکم‌رانی را به عرصه آورد. به‌عنوان نمونه: آن‌چه در طراحی نظام جمهوری اسلامی و نهادها و اختیارات نظام و نهادهای برآمده از آن انجام گرفت، مبتنی بر اجتهاد با رویکرد توصیفی است.

علامه طباطبائی نیز چنین بیان کرده‌اند:

منظور از تفقه، فهم همه اصول و فروع معارف دینی است، نه فقط فقه اصطلاحی نزد



متدینین که همان احکام عملی است. (طباطبائی، ۱۳۹۰ش: ۴۰۴/۹)

امام خامنه‌ای می‌فرماید:

در زمینه‌های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد... تبیین معرفت‌شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی... همه اینها باید دقیق، علمی، قانع‌کننده و ناظر به اندیشه‌های رایج جهان آماده و فراهم شود. این کار حوزه‌هاست. با اجتهاد، این کار عملی است. اگر ما این کار را نکنیم، به دست خودمان به حذف دین از صحنه زندگی بشر کمک کرده‌ایم؛ به دست خودمان به انزوای روحانیت کمک کرده‌ایم. این، معنای تحول است. این حرکت نوبه‌نوی اجتهادی، اساس تحول است. (امام خامنه‌ای: ۱۳۸۹/۷/۲۹)

امت اسلامی... باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد... نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است. (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۲/۲/۹)

برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان... در همه زمان‌ها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند؛ درخواست بشریت را بدانند. می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه راهنما و راه‌گشا برای بشریت. (امام خامنه‌ای: ۱۳۷۹/۷/۱۴)

شهید مطهری می‌نویسد:

فقه در دین که مورد عنایت اسلام است، شامل همه شئون اسلامی است؛ اعم از آنچه مربوط است به اصول اعتقادات اسلامی و جهان‌بینی اسلامی و یا اخلاقیات و تربیت اسلامی و یا اجتماعیات اسلامی و یا عبادات اسلامی و یا مقررات مدنی اسلامی و یا آداب خاص اسلامی در زندگی فردی و یا اجتماعی و غیره. (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۴/۱)

با تأمل در نظرات این بزرگان، درمی‌یابیم که فقه در نگاه آنان گستره‌ای وسیع دارد و





محدود به احکام نیست و تمام ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان را شامل می‌شود. این نگاه ریشه در این مبنا دارد که دین اسلام، دینی جامع با ظرفیت پاسخ‌گویی به تمام نیازهای بشر در همه زمان‌ها و مکان‌هاست؛ به‌گونه‌ای که می‌تواند با اداره فرد و جامعه، ظرفیت نظام‌سازی داشته باشد و در تراز تمدن‌سازی نقش‌آفرینی کند.

۳. چیستی و فرایند روش «اجتهاد جامع» در تولید دانش تربیت اسلامی
مجموع مباحث این موضوع، در دو بخش چیستی و فرایند مطرح می‌شود:

الف) چیستی

مباحث مربوط به چیستی، در سه عنوان ارائه می‌شود:

یکم: گستره و ماهیت اجتهاد

معنای اجتهاد در طول تاریخ تطوراتی داشته است، اگرچه در میان شیعیان به تأسی از اهل بیت علیهم‌السلام تفقه و استنباط از ابتدا به صورت جدی مورد توجه بوده اما از آن با واژه اجتهاد یاد نمی‌کردند، اولین فقهی که از واژه اجتهاد با معنا و مفهوم معتبر استفاده کرد، محقق حلّی بود. با توجه به عقلایی بودن این حرکت تطوری، تکمیل معنای اجتهاد می‌تواند ادامه داشته باشد و توقف در آن امکان‌پذیر نیست. پس می‌توان گفت: اگرچه از زمان محقق حلّی، تا وقوع انقلاب اسلامی، با توجه به نوع نیاز جامعه، تعریف اجتهاد ناظر بر بایدها و نبایدها و بیشتر در قالب فقه تجویزی بوده است، اما لازمه حرکت عقلایی این است که تعریف اجتهاد توسعه یابد؛ زیرا امروزه با نظر به توسعه نیازهای جامعه ایمانی، لازم است که نظر شارع در اهداف، چارچوب‌ها، نظامات و مسائل اجتماعی و تمدنی بیان شود که این امر، اجتهاد متناسب با خود را لازم دارد. پس در کنار رویکرد تجویزی، باید به رویکرد توصیفی نیز برای استنباط امور غیرتجویزی که مورد نیاز مکلفان در زندگی است و بیان آن هم در منابع دینی وجود دارد، توجه شود.

علاوه بر عقلایی بودن توسعه در معنای اجتهاد، آیات و روایات نیز بر این امر دلالت دارند؛ چنان‌که در قرآن کریم^۱ و روایات بسیاری^۲ اجتهاد و تفقه در معنای جامع به‌کار رفته و

۱. «قُلْوَلَا نَقْرَمِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّتَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (توبه: ۹).

۲. مانند این روایت: «عن الامام الصادق علیه‌السلام: عَلَيكُمْ بِالتَّفَقُّهِ فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ يُرَكِّبْ لَهُ عَمَلًا» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱/۱۸۲، ۲/۱۱۷ و ۱۵۷/۱۹).





دارای معنای وسیعی است؛ زیرا دین شامل همه معارف در تمام عرصه‌های زندگی است و هیچ عرصه‌ای را نمی‌توان خارج از آن دانست. اگر بخواهیم نظر دین را در هر امر و عرصه‌ای از زندگی بیان کنیم، چاره‌ای جز «اجتهاد جامع» وجود ندارد.

از این رو می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به دلایل عقلی و نقلی، مأموریت و مسئولیت جامعه ایمانی و حوزه‌های علمیه، اجتهاد در تمام معارف دینی است. لازمه این امر، توسعه در رویکردهای اجتهادی است؛ به گونه‌ای که اگر اجتهاد فقط در احکام باشد، رویکرد تجویزی خواهد بود؛ اما در رویکردی گسترده‌تر، توجه به اجتهاد توصیفی نیز ضروری خواهد بود؛ چنان‌که پیش از این دیدگاه امام خمینی علیه السلام و علامه طباطبایی علیه السلام در این باره بیان شد.

اجتهاد به عنوان یک روش عقلایی معتبر، اگرچه در علم فقه فراگرفته می‌شود، اما اختصاص به علم فقه به معنای اصطلاحی آن، یعنی مجموعه احکام شرعی فرعی ندارد و در تمام علوم دینی که مبتنی بر قرآن، سنت و عقل است، به کار می‌رود. اجتهاد یک روش و الگوی تعبیدی نیست که در آن ملزم به فراگیری و به کارگیری مجموعه‌ای از اصول و قواعد و شیوه‌های تعبیدی باشیم؛ بلکه یک مواجهه عقلایی و فطری با سؤالات و چالش‌های گوناگون زندگی است که هدف آن، ارائه پاسخ‌های معتبر به این سؤالات با استفاده از منابع اصیل دین‌شناسی است و این امر نیز مورد تأیید شرع مقدس قرار گرفته است. در نتیجه، نظریه‌پردازی دینی، تنها با روش اجتهادی صورت می‌پذیرد و امکان تحقق آن با روش‌های دیگر وجود ندارد. بنابراین، دانش تربیت اسلامی باید به صورت انحصاری با روش اجتهادی تولید شود و وجه این انحصار نیز به این دلیل است که بتوان برآیند اجتهاد را به خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نسبت داد.

دوم: رویکرد تجویزی و توصیفی

اجتهاد به عنوان یک کلان‌روش، دارای دو رویکرد اساسی و کلان است که هر دو در تولید معارف دینی در ابعاد و عرصه‌های مختلف زندگی به کار می‌روند و در توانمندی و کارآمدی فقه در پاسخ‌گویی به نیازها و طراحی نظام‌های مورد نیاز، مکمل یکدیگرند. نگرش تاریخی فقه شیعه به اقتضای وضعیت زمانه، به رویکرد فردی و تجویزی متمایل شده است که در صدد استنباط باید و نبایدها در همه عرصه‌های زندگی و رفع نیاز مؤمنان و تدبیر امور زندگی آنان بوده است. علی‌رغم این نگرش تاریخی، فقه شیعه ظرفیتی گسترده دارد که می‌تواند تمام شئون



زندگی فردی، اجتماعی، حکومتی و تمدنی را اداره کند. پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام «جمهوری اسلامی»، امکان تحقق حداکثری ظرفیت‌های فقه شیعه را در حوزه فقه توصیفی فراهم نمود که یکی از ظرفیت‌های بسیار مهم فقه شیعه شناخته می‌شود.

رویکرد توصیفی، فهم روشمند دین برای تبیین چیستی، چرایی و توصیف روابط عینی پدیده‌ها و آثار آنها با استفاده از منابع معتبر است که بستر مناسب تولید علوم انسانی اسلامی و استنباط نظام‌های دینی در تمام حیطه‌های زندگی انسان را فراهم می‌آورد. این دو رویکرد، مکمل یکدیگر در تولید علم دینی و تدبیر زندگی هستند.

سوم: روش «اجتهاد جامع»

علم فقه در حوزه‌های علمیه، به وسیله یک سامانه اجتهادی کارآمد پشتیبانی می‌شود؛ از این رو در مواجهه با سؤالات گوناگون، جواب‌های مورد نیاز را ارائه می‌دهد. قدرتمندی، کارآمدی و آمادگی برای پاسخ‌گویی شایسته در علم فقه، مرهون زحمات طاقت فرسا و مجاهدت‌های خالصانه و پیوسته هزاران عالم، محدث، مفسر و فقیه فرهیخته و توانمند می‌باشد که نتیجه آن، فراهم آوردن ابزارهای مورد نیاز اجتهاد و تکمیل و ارتقای الگوها، سبک‌ها و شیوه‌های آن شده است. این مهم با تأسیس قواعد و طراحی الگوها و فرایندهای متعدد اجتهادی و تألیف کتاب‌های مورد نیاز تحقق یافته است؛ از جمله:

۱. جوامع روایی مورد استفاده در علم فقه؛
۲. کتاب‌های متعدد در تفسیر و تبیین آیات احکام؛
۳. کتاب‌های متعدد در بررسی و تبیین قواعد فقهی؛
۴. صدها کتاب در علم اصول.

موارد اشاره شده، ابزار مورد نیاز اجتهاد را در اختیار مجتهدان قرار داده است و نتیجه استفاده از این ابزارها و منابع، تربیت صدها و هزاران نیروی انسانی مجتهد و تألیف هزاران جلد کتاب فقهی و اصولی در طول صدها سال شده، که همه آنها در رونق و کارآمدی هرچه بیشتر سامانه اجتهاد مؤثر واقع شده است.

با الهام از این تدبیر خردمندانه (سامانه اجتهاد تجویزی)، باید برای تکمیل و ارتقای آن جهت پشتیبانی از اجتهاد در فقه جامع به‌ویژه در رشته تربیت، تلاش مؤثری آغاز شود تا





مجتهدان با استفاده از کتاب، سنت و عقل، به نظریه‌پردازی و تولید علم در دانش تربیت روی آورند.

نتیجه این‌که رویکرد «اجتهاد جامع»، استفاده از منابع اصیل دین، یعنی قرآن، روایات و عقل برای استخراج مبانی، اصول، اهداف، روش‌ها، عوامل، موانع، آثار و برنامه‌های تربیت در اسلام است که شامل بایدها و نبایدها نیز می‌شود و به آیات و روایاتی که در فقه تجویزی استفاده شده، بسنده نمی‌شود.

ب) فرایند

اجتهاد به عنوان یک روش علمی و عقلایی برای تولید فکر دینی، مراحل دارد و یک فرایند شناخته می‌شود. با تحقق همه این مراحل، می‌توان به مقصود مورد نظر دست یافت. مجموع این مراحل باید به عنوان فرایند «اجتهاد جامع» تحلیل گردد.

فرایند اجتهاد با توجه به مبانی و سبک‌های اجتهاد می‌تواند متفاوت باشد. در این نوشتار، فرایندی که مقبول این پژوهش است، بیان خواهد شد.

یکم: موضوع‌شناسی

مقصود از موضوع، چیزی است که حکم تجویزی و توصیفی ناظر به آن است و در دست‌یابی و فهم آن، محدودیتی در مورد روشی خاص وجود ندارد. در موضوع‌شناسی، موضوع می‌تواند از متون دینی یا دانش‌های بشری یا از تجربه‌ها و امور جاری جامعه گرفته و فهم شود و با استفاده از روش اجتهادی، پاسخ آن از منابع معتبر استخراج گردد.

چگونگی موضوع‌شناسی عبارت است از مراجعه به لغت، عرف عام و عرف خاص (شرع و اصطلاح)، که شامل دیدگاه‌های دانشمندان غربی در علوم انسانی نیز می‌شود.

دوم: حکم‌شناسی

مقصود از «حکم»، باید و نبایدهای تجویزی «احکام خمسه» یا توصیف چپستی، چرایی و آثار موضوع در فقه توصیفی است.



مراحل حکم‌شناسی

الف) فهم و ارتکاز متشرعه

با توجه به این‌که همه معارف دینی، منطبق بر عقل و فطرت هستند، محتواهای علوم انسانی اسلامی نیز انطباق کامل بر عقل و فطرت دارند. از این رو فهم و ارتکاز متشرعه، سرمایه‌ای بس مهم در فهم حکم و دیدگاه دین است. البته بهره‌گیری از ارتکاز، گام آغازین اجتهاد است که با گام‌های بعدی اتقان می‌یابد. آیت‌الله بهجت به نقل از یکی از بزرگان فرموده‌اند:

در هر حکم، قبل از مراجعه به دلیل لفظی و ظنی و بحث پیرامون آن، باید به ارتکاز ذهن رجوع نمود. (رخشاد، ۱۳۸۷: ۲/۲۹۴)

ب) رجوع به منابع و ادله اجتهادی

«منبع» در لغت از ریشه «ن ب ع» به معنای جایی است که چشمه از آن می‌جوشد و منابع آب، محل‌های خروج آن از زمین است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲/۱۶۰). بنابراین سرچشمه هر چیزی را نیز منبع آن می‌گویند (عده‌ای از نویسندگان، ۱۳۹۷: ۲/۸۹۸). از این رو منبع یعنی محلی که ادله مورد نیاز برای تولید علم از آن قابل کشف و استخراج است که در اسلام، عبارت است از قرآن، روایات و عقل.

منظور از «ادله اجتهادی»، گزاره‌های برگرفته از منابع معتبر دینی است که مستند حکم تجویزی و توصیفی قرار می‌گیرد. در اصول فقه، چهار منبع برای دانش دینی بیان می‌شود که به «ادله اربعه» (مظفر، بی‌تا: ۷/۱) مشهور است. این چهار منبع عبارتند از: قرآن، سنت، عقل و اجماع.

۱. قرآن

منبع اصلی تولید دانش تربیت با روش اجتهادی، قرآن کریم است که تمام معارف لازم برای ابعاد مختلف زندگی انسان را بیان می‌کند. در فقه رایج، حدود پانصد آیه مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که در تولید علوم انسانی اسلامی از جمله دانش تربیت اسلامی، از تمام آیات مرتبط استفاده می‌شود.

قرآن کریم در ارائه معارف از جمله مباحث تربیتی، ادبیاتی خاص و روشی منحصر به فرد دارد. این روش نه تنها قبل از نزول قرآن، بلکه پس از آن نیز در هیچ کتاب و تألیفی دیده نشده است. مطالب در قرآن به صورت مرسوم و دسته‌بندی شده در علوم ارائه نمی‌شود؛ بلکه در





آیات قرآن، عقاید، اخلاق، رفتار انسان و تربیت او در تمام مراتب، ابعاد و عرصه‌ها مورد توجه قرار گرفته و بیان شده است. از این رو می‌توان مبانی، اصول، روش‌ها، اهداف، عوامل، موانع، آثار و برنامه‌های تربیتی را از آیات قرآن استخراج کرد.

در استخراج حکم و دیدگاه دین از آیات در مسئله مورد بحث، انجام فحص کامل در آیات و بهره‌گیری از مدل‌های سه‌گانه تطابقی، تضمینی و التزامی (بین بمعنی اعم و بین بمعنی الاخص) امری ضروری است. فحص کامل بر پایه واحدهای لفظی و معنایی هر دو و نمایه‌زنی ریزموضوعات نظام تربیتی صورت می‌پذیرد. ملاک در فحص کامل، ناامیدی (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق: ۱۳/۲) از دست‌یابی به آیه یا آیات دیگری است که در نتیجه، مؤثر باشند.

بعد از جمع‌آوری همه آیات مرتبط، ابتدا هر آیه با صرف نظر از آیات دیگر ظهورگیری و فهمیده می‌شود؛ سپس در نهایت جمع‌بندی و فهم نهایی همه آیات مرتبط با موضوع انجام می‌گیرد.

۲. سنت

روایات، به عنوان شرح و تفسیر معارف قرآن، منبع معتبر دیگری است که شامل ادعیه، زیارات و... نیز می‌شود؛ درحالی‌که در فقه تجویزی، فقط به بخشی از روایات توجه شده است.

در بهره‌مندی از روایات در مباحث تربیتی از حیث سندی، توجه به این نکته مهم است که مباحث توصیفی در منابع دینی خصوصاً در روایات به تفصیل بیان شده که علم‌آور است، همچنین محتوای مباحث توصیفی در روایات مطابق عقل و فطرت است که وضوح مطالب بیشتر می‌شود و نکته دیگر این‌که حجیت در مباحث توصیفی، می‌تواند به معنای معتبر بودن باشد. قابل ذکر است که گاهی گفته می‌شود تربیت، امری واقعی و حجیت، امری اعتباری است و نسبت این دو، مورد سؤال واقع می‌شود، در پاسخ می‌توان گفت، حجیت در نگاه بیشتر علمای شیعه مبتنی بر طریقت و واقع‌نمایی است که به تفصیل این مباحث باید در محل مناسب خود پرداخته شود.

در سنت نیز فحص کامل مانند آیات و با رجوع به تمام روایات مرتبط انجام می‌گیرد. در این فرایند، با در نظر گرفتن مبانی رجالی، از دلالت‌های سه‌گانه تطابقی، تضمینی و التزامی استفاده می‌شود. پس از فهم هر یک از روایات به صورت جداگانه، جمع‌بندی میان آنها به‌گونه‌ای صورت می‌گیرد که حکم و نظر نهایی به دست آید. در این مرحله از فرایند استنباط، اقدام مفید و لازمی که باید انجام گیرد، جمع‌بندی کلی از مجموع آیات و روایات بررسی شده



است که باید بر اساس فهم عقلایی و فطری صورت گیرد.

۳. عقل

عقل، یکی دیگر از منابع اصیل در تولید دانش تربیت اسلامی است که نه تنها به عنوان ابزاری برای فهم قرآن و روایات، بلکه به عنوان منبعی ارزشمند در کنار دیگر منابع، در تولید علم و محتوای دینی اعتبار دارد. در این جا منظور صرفاً عقل نظری نیست؛ بلکه بیشتر مقصود عقل عملی است.

جایگاه عقل، به ویژه عقل عملی، در فهم و عمل به دین از دیدگاه قرآن و روایات، بسیار برجسته و منحصر به فرد است؛ اما به این جایگاه به گونه ای شایسته، توجه نشده است. از این رو یکی از مشخصه های بارز اجتهاد و تفقه شیعی در کنار بهره گیری جامع و کامل از ادله قرآنی و روایی، استفاده همه جانبه از عقل نظری و عملی است. بنا و سیره عقلانی نیز در زمره ادله عقلی شمرده می شود.

۴. اجماع و شهرت

از جمله ادله اجتهادی، اجماع (آشتیانی، ۱۴۳۰ق: ۱۳/۲) و شهرت (شهید اول، ۱۴۱۹ق: ۵/۱؛ امام خمینی، ۱۴۲۷ق: ۲۶/۱) هستند که برای تحصیل آنها، رجوع به دیدگاه های عالمان دین ضروری است. این رجوع باید به صورت روشمند انجام گیرد، نه سلیقه ای. یکی از الگوهای کارآمد در این زمینه، بررسی مسئله بر اساس تمام دوره های فقهی است که این دوره ها ناظر بر تطوّر و تحول فقهی است.

از جمله فواید رجوع روشمند به اقوال برجستگان علما در تطورات فقهی، شناخت سیر تاریخی هر مسئله و فهم دیدگاه ها و روش های نو در هر دوره فقهی و هم چنین دست یابی به شهرت و اجماع است. روش بزرگان از فقها، مانند صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۶۲ش: ۲/۱) و شیخ انصاری (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۱۷/۱)، در مراجعه به اقوال نیز بر همین اساس است.

ج) رجوع به ادله فقهی

چنان که در همه کتب اصولی به خوبی بیان شده، در صورت نبود ادله اجتهادی خاص و عام، لازم است به اصول عملیه که برطرف کننده سرگردانی و تحیر انسان مکلف در مقام عمل است، رجوع کرد و با شناخت مجرای این اصول، به نتایج نهایی دست یافت.





چنانچه این سؤال مطرح شود که تربیت، امری واقعی است که مربوط به نفس انسان است و اصول عملیه برای رفع تحیر در مباحث فقهی است، باید گفت مباحث تربیتی با مؤلفه‌های گوناگونی مطرح می‌شود که برخی از آنها از سنخ تجویزی و باید و نبایدهاست که در بعضی موارد آن، در صورت لزوم از اصول عملیه مربوط استفاده می‌شود؛ زیرا مفهوم جامع تربیت، همه عرصه‌های زندگی را دربرمی‌گیرد و انسان متربی، تربیت را در واقعیت زندگی دنبال می‌کند؛ طبیعی است که او در مواردی از نظر عملی دچار سرگردانی شود و بر اساس راهکارهای عقلی و شرعی از اصول عملیه استفاده نماید.

د) تحلیل و جمع بندی مجموع ادله

در آخرین گام، به تحلیل مجموع ادله و مطالب جمع‌آوری شده با روش اجتهادی، بر اساس عقل و فطرت پرداخته می‌شود.

ه) توجه به تجربه در مقام اجرا و نظام‌سازی

در تولید نظامات اسلامی، به یک دستگاه معرفتی سه ضلعی نیاز داریم که یک ضلع آن وحی و شریعت، ضلع دیگر عقل و فطرت، و ضلع سوم، تجربه است. تجربه به عنوان یک روش در علوم انسانی غربی مورد توجه خاص قرار گرفته و به عنوان روشی منحصربه‌فرد در تولید علوم انسانی غربی شناخته می‌شود. البته بخشی از تجربه (به معنای اصطلاحی و تعریف شده آن در علوم تجربی) که به مشاهده مربوط می‌شود، در صورتی که با ضوابط تعریف شده انجام گیرد، پذیرفته است؛ اما بخش دیگر آن که شامل تحلیل و تعمیم است، مبتنی بر مبانی غیرقابل پذیرشی است که به صورت مطلق شایان پذیرش نیست. از این رو دیدگاه‌های غربی نیاز به بررسی دارند و در صورت انطباق با مبانی دینی، پذیرفتنی خواهند بود.

عرصه نقش‌آفرینی اجتهاد جامع، صرفاً عرصه استنباط و ارائه نظریه نیست، عرصه دیگر، به ارائه نظام و الگوی اجرایی مربوط می‌شود؛ بنابراین یکی دیگر از موارد استفاده از تجربه، بهره‌مندی از آن در فرایند دست‌یابی به نظام و الگوی اجرایی مبتنی بر دانش دینی است که در آن، دانش تولیدشده با روش اجتهادی، در مرحله اجرا و نظام‌سازی به تجربه عرضه می‌شود. (البته در مسائلی که قابلیت تجربه دارند). به عبارتی: بعد از استنباط و نظریه‌پردازی، در استفاده از نظریه باید ملاحظات میدانی در نظر گرفته شود و به صورت آزمایشی و مرحله‌بندی شده، با

بررسی نتایج و روش آزمون و خطا و کشف قوت‌ها و ضعف‌ها، اجرا شوند.

نتیجه

در این پژوهش، به تبیین روش «اجتهاد جامع» در تولید دانش تربیت اسلامی پرداخته شد و نتایج به دست آمده به شرح زیر است:

۱. ضرورت تولید دانش تربیت اسلامی: این ضرورت با نقد رویکردهای غربی در علوم انسانی و تحلیل رویکردهای ممکن در تولید دانش تربیت اسلامی و هم‌چنین شناسایی ظرفیت‌های گسترده منابع دین برای استخراج دانش تربیت، روشن گردید.

۲. روش پیشنهادی: روش «اجتهاد جامع» به عنوان یک روش استنباطی معرفی شد که شامل دو رویکرد تجویزی و توصیفی است و در آن، از تمام منابع معتبر دین بهره‌برداری می‌شود.

۳. فرایند اجتهاد جامع: این تحقیق فرایند روش «اجتهاد جامع» را که شامل دو مرحله کلیدی موضوع‌شناسی و حکم‌شناسی است، به تفصیل شرح داده است.

به‌طور کلی این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از روش «اجتهاد جامع»، با بهره‌گیری از تمام منابع دینی و رویکردهای تجویزی و توصیفی، راه‌حلی معتبر برای تولید دانش تربیتی اسلامی به شمار می‌آید. این رویکرد می‌تواند کمک شایانی به ارتقای کیفیت و جامعیت دانش تربیتی در کشور نماید.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن‌درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸م)، *جمهرة اللغة*. چاپ اول، دارالعلم للملایین، بیروت.
۲. ابن‌عبّاد، ابوالقاسم اسماعیل (۱۴۱۴ق)، *المحیط فی اللغة*. چاپ اول، عالم‌الکتب، بیروت.
۳. ابن‌فارس، ابوالحسن احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، چاپ اول، مرکز نشر اسلامی، قم.
۴. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چاپ سوم، دارصادر، بیروت.
۵. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۶. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵ش)، *فقه تربیتی*، مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، قم.
۷. _____؛ موسوی، سیدنقی (۱۳۹۰ش)، «دانش تربیت؛ وضعیت مطلوب علوم





- تربیتی»، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال سوم، شماره دوم، ص ۵۷-۷۶.
۸. آشتیانی، محمد حسن (۱۴۳۰ق)، بحر الفوائد في شرح الفرائد، محقق: سید محمد حسن موسوی، ذوی القربی، قم.
۹. تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۱ق)، توضیح الرشاد فی تاریخ حصر الاجتهاد، چاپ اول، چاپخانه خیام، قم.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح، چاپ اول، دارالعلم للملایین، بیروت.
۱۱. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹ش)، صحیفه امام، ۲۲ جلد، چاپ پنجم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۱۲. _____ (۱۴۲۷ق)، أنوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، مؤسسة تنظیم و نشر تراث امام خمینی، تهران.
۱۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ق)، کفایة الأصول، چاپ اول، آل البيت علیهم السلام، قم.
۱۴. حسنی، حمیدرضا و علی پور، مهدی (۱۳۸۹ش)، پارادایم اجتهادی دانش دینی (پاد)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۱۵. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۰۴ق)، الاجتهاد و التقليد (مبادئ الوصول إلى علم الأصول)، در یک جلد، چاپ اول، المطبعة العلمية، قم.
۱۶. _____ (۱۴۲۵ق)، نهاییه الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، مؤسسة الإمام الصادق علیهما السلام، قم.
۱۷. خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، مصباح الأصول، کتابفروشی داوری، قم.
۱۸. ديلتای، ویلهلم (۱۳۸۹ش)، مقدمه بر علوم انسانی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، ققنوس، تهران.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، دارالشامیة، بیروت.
۲۰. رخشاد، محمد حسین (۱۳۸۷ش)، در محضر بهجت، سماء، قم.
۲۱. رشاد، علی اکبر (۱۳۹۵ش)، «منطق طبقه بندی علوم انسانی»، فصل نامه ذهن، ش ۶۵، ص ۵-۲۸.
۲۲. رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۸ش)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت ارزش ها، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۲۳. زبیدی، سید مرتضی حسینی، تاج العروس، چاپ اول، دارالفکر، بیروت.

۲۴. شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳ق)، موسوعة الفقه الإسلامي طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، قم.
۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان في تفسير القرآن. ۲۰ جلد، چاپ دوم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، العدة في أصول الفقه، علاقبنديان، قم.
۲۷. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشيعة في أحكام الشريعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
۲۸. عاملی (شهید ثانی)، حسن بن زین الدین (بی تا)، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، مؤسسه النشر الإسلامی، قم.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، دارالهجرة، قم.
۳۰. فروند، ژولین (۱۳۷۲ش)، نظریه های مربوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير، یک جلد، چاپ اول، دارالهجرة، قم.
۳۲. کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا (بی تا)، باب مدينة العلم، مؤسسه کاشف الغطاء العامة، نجف.
۳۳. گروهی از نویسندگان (۱۳۹۷ق)، المعجم الوسيط، نشر صادق، قم.
۳۴. لطیفی، علی؛ پارسانیا، حمید؛ داودی، محمد (۱۳۹۳ش)، «بررسی روش شناسی دانش تربیت اسلامی بر اساس رویکرد اسلامی سازی معرفت»، دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال نهم، ش ۱۸، ص ۱۵۳-۱۷۵.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۷ش)، شناخت نامه حدیث، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، قم.
۳۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹ش)، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، تحقیق و نگارش غلامرضا متقی فر، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۳۷. _____ (۱۳۹۰ش)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، قم.
۳۸. _____ (۱۳۹۵ش)، نقش تقلید در زندگی انسان، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.





۳۹. مطهری، مرتضی (بی تا)، آشنایی با علوم اسلامی، انتشارات صدرا، تهران.
۴۰. _____ مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران.
۴۱. مظفر، محمدرضا (بی تا)، أصول الفقه، ۴ جلد، اسماعیلیان، قم.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰ش)، موسوعة الفقه الإسلامی المقارن، دارالنشر الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، قم.
۴۳. ملک زاده، محمدحسین (۱۳۹۹ش)، تفقه جامع (تحقیقی در همه دین ناظر به تحقق در همه زندگی)، اعتدال اسلامی، قم.
۴۴. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۴۵. نوذری، محمود (۱۳۹۳ش)، «بررسی وضعیت دانش و تعلیم و تربیت اسلامی به منزله رشته علمی و دانشگاهی»، مجله تربیت اسلامی، سال نهم، ش ۱۹.

منابع اینترنتی

۴۶. امام خامنه ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار: khamenei.ir
۴۷. سایت مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت: bahjat.ir
۴۸. نرم افزار حوزه و روحانیت، سازمان کامپیوتر علوم اسلامی نور.
۴۹. دائرة المعارف راتلج: <https://www.rep.routledge.com/about>

